

اول ماه مه، خیابان‌ها در تسخیر کارگران بود

رژیم جمهوری اسلامی که از چندین ماه قبل، فضای خفقان و سرکوب را تشدید نموده و با نزدیکتر شدن اول ماه مه، پیوسته بر شدت خفقان و سرکوب افزوده است، در آستانه اول ماه مه، بازم اقدامات سرکوبگرانه خود را شدت بخشید. دستگاه‌های امنیتی و سرکوب رژیم، با تمام توان تلاش نمودند از طریق پی‌گرد و بازداشت فعالان کارگری و فعالان دیگر جنبش‌های اجتماعی و گستراندن جو رعب و وحشت در تمام جامعه، پیشاپیش کارگران را مرعوب سازند، از برگزاری مراسم‌های مستقل اول ماه مه و آمدن کارگران به خیابان‌ها، ممانعت به عمل آورند.

جمهوری اسلامی، تنها از طریق ارباب و سرکوب مستقیم نبود که می‌خواست کارگران را بترساند و آنان را از برگزاری مراسم‌های مستقل اول ماه مه منصرف کند و به خانه نشینی و خاموشی وادار سازد. بلکه در هر کجا که کارگران خواستار مجوز راهپیمایی و تظاهرات شدند و یا مکانی برای برگزاری مراسم اول ماه مه درخواست نمودند، رژیم نیز در ابتدا با پشت گوش انداختن مسئله، ابتدا به وقت کشی و سردواندن کارگران پرداخت و بعد هم قویا با خواست آن‌ها مخالفت نمود. اما کارگران، فعالان و پیشروان کارگری که مصمم بودند به خیابان‌ها بیایند و مراسم مستقل اول ماه مه راه را هر چه باشکوتر برگزار نمایند، علی‌رغم تمام این تهدیدها و ترفندها، همان‌طور که پیش بینی می‌شد، نه فقط مرعوب اقدامات سرکوبگرانه رژیم نشدند، بلکه مشتاقانه‌تر، گسترده‌تر و متشکل‌تر از گذشته، به استقبال اول ماه مه رفتند. کارگران در روز اول ماه مه به خیابان آمدند، به طرح مطالبات خویش پرداختند و همبستگی خود را با کارگران سراسر جهان در مبارزه علیه هرگونه ستم و استعمار اعلام داشتند.

برگزاری مراسم اول ماه مه در زیر سرنیزه

از مدت‌ها قبل از اول ماه مه مشخص بود و مجموعه اقدامات سرکوبگرانه رژیم نیز نشان می‌داد که دولت سرکوبگر حاکم، امسال، وقیحانه‌تر و بیرحمانه‌تر از سال‌های گذشته صفوف متشکل کارگران، راهپیمایان و برگزارکنندگان مراسم اول ماه مه را مورد یورش قرار خواهد داد. این وضعیت و ماهیت سرکوبگر و ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی، البته برای کارگران، به‌ویژه کارگران آگاه و پیشرو، ناشناخته نبود. با این همه، کارگران در چندین مورد به‌رغم آن که اجازه تجمع و راهپیمایی به آنان داده نشد، دست به تجمع و راهپیمایی زدند و یا در اشکال دیگری روز اول ماه مه را گرامی داشتند.

در سنج، به‌رغم آن که فرماندار این شهر از صدور مجوز تجمع و راهپیمایی خودداری نمود، نزدیک به ۴۰۰ تن از کارگران مراکز کارگری این شهر، به مناسبت اول ماه مه در مقابل اداره روابط کار این شهر دست به تجمع زدند. نیروهای انتظامی و امنیتی که از قبل در محل تجمع کارگران مستقر شده بودند، با شروع مراسم، جمعیت را مورد یورش قرار دادند. لذا، شیث امانی، رئیس هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار که قصد سخنرانی داشت، تنها به قرائت قطعنامه اکتفا نمود. نیروهای امنیتی، به قصد بازداشت کارگر یادشده، به وی هجوم بردند اما کارگران، وی را از دست نیروهای امنیتی نجات دادند. کارگران سپس با سردادن شعارهایی به طرف میدان آزادی دست به راهپیمایی زدند. نیروهای سرکوب رژیم با شلیک گاز اشک‌آور و باتوم، به صفوف کارگران حمله کرده و به ضرب و شتم کارگران پرداختند. در اثر یورش‌های وحشیانه، شماری از کارگران مجروح و نزدیک به ۱۶ نفر بازداشت شدند.

در کرمانشاه نیز به دعوت انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار، جمعی از کارگران پتروشیمی‌های اوره آمونیاک و پلی اتیلن، حدود صد نفر از کارگران این شهر در برابر اداره کار کرمانشاه به منظور گرامی‌داشت روز جهانی کارگر دست به تجمع زدند. در این مراسم نیز جوانمیر مرادی، رئیس انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، در رابطه با مسائل و مشکلات کارگران به سخنرانی پرداخت. اما هنوز دقایقی از شروع مراسم نگذشته بود که مزدوران اطلاعاتی-امنیتی به قصد قطع سخنرانی و بازداشت سخنران به میان جمعیت هجوم بردند. کارگران در برابر این یورش دست به مقاومت زدند، اما نیروهای مزدور به ضرب و شتم و تهدید کارگران پرداخته و با دستگیری تعدادی از کارگران، از ادامه مراسم ممانعت به عمل آوردند.

در برخی دیگر از شهرهای کردستان مانند سقز و مریوان نیز مراسمی به مناسبت اول ماه مه برگزار گردید.

در آبشارخور کرج واقع در جاده چالوس نیز گلگشتی به مناسبت اول ماه مه و با حضور بیش از ۳۰۰۰ نفر برگزار گردید. در این مراسم که برخی از کارگران ایران خودرو، کارگران سایپا، پارس، شرکت واحد و همچنین ده‌ها کارخانه و کارگاه دیگر از شهرستان‌های ساوه، کرج، ورامین، قزوین، کرمانشاه، سقز، سنندج، رشت و برخی دیگر از شهرستان‌ها حضور داشتند، همراه با اعضاء خانواده خود در این مراسم شرکت کرده بودند.

در تهران نیز قرار بود، مراسمی در "فرهنگ سرای کار" و مراسم دیگری در تالار باختر واقع در تقاطع خیابان کارگر جنوبی و لبافی نژاد برگزار شود. سال گذشته حدود ۸۰۰ تن از کارگران خیاط، کفاش، فلزکار و مکانیک، نقاش و کارگران شرکت واحد، در این محل مراسم اول ماه مه را برگزار نمودند. اما امسال رژیم جمهوری اسلامی اجازه تجمع و برگزاری مراسم در این مکان را نداد. با این وجود بعد از ظهر روز اول ماه مه حدود ۲۰۰ تن از کارگران در برابر تالار یادشده تجمع کردند و به بحث و گفتگو در مورد مسائل و مشکلات کارگری پرداختند. در این مراسم که برخی از کارگران سندیکای کارگران شرکت واحد نیز حضور داشتند، منصور اسانلو سخنانی ایراد کرد.

همچنین به دعوت دانشجویان دانشکده حقوق دانشگاه تهران، قرار بود اسانلو در این دانشکده حضور بهم برساند و در مورد اول ماه مه سخنرانی کند. اما حراست دانشگاه مانع ورود وی به دانشگاه شد. با این وجود تعدادی از کارگران و دانشجویان در برابر درب ضلع غربی دانشگاه واقع در خیابان ۱۶ آذر، تجمع کردند و پیرامون مسائل کارگری به بحث و گفتگو پرداختند. منصور اسانلو در این تجمع نیز به سخنرانی پرداخت.

اما مهم‌ترین مراسم اول ماه مه امسال، مراسمی بود که در تهران و در ورزشگاه شبرودی و خیابان‌های تهران برگزار گردید.

مارش کارگری در خیابان‌های تهران

با وجود آن که جمهوری اسلامی امسال نیز سعی نمود مراسم اول ماه مه را به مراسمی که توسط خانه کارگر و شوارهای اسلامی کار برگزار می‌شود، خلاصه نماید، و با وجود آن که خانه کارگر نیز تمام کوشش خود را به‌کار بسته بود تا مراسم اول ماه مه را آنطور که خود و اربابانش می‌خواهند برگزار نماید، اما در این زمینه‌ها نیز نه تنها هیچ‌گونه توفیقی نصیب رژیم و نوکران آن در خانه کارگر نشد، بلکه اوضاع به‌کلی به زیان آن‌ها رقم خورد و جز افتضاح و رسوائی، چیز دیگری نصیب آنها نشد.

خانه کارگر که از پنجم اردیبهشت ماه، دیدوبازدید با "آیات عظام" و "بیعت با رهبری" و مسئولین نظام را آغاز کرده بود و مدام بر "گوش به فرمانی" خانه کارگر به "ولایت فقیه" تاکید می‌نمود و در تلاش بود تا کارگران را از این مراسم نوحه خوانی به آن مراسم قرائت قرآن بکشاند و خلاصه سرگرم برگزاری "هفته کارگر" بود، به منظور خوش خدمتی هر چه بیشتر به دولت اسلامی و شخص خامنه‌ای، تصمیم داشت روز یازده اردیبهشت (اول ماه مه)، در برابر "لانه جاسوسی آمریکا" تجمع برگزار نماید.

اما جمهوری اسلامی با توجه به تجارب و سوابق قبلی و با توجه به این موضوع که در هر جا که از کارگران تجمعی بر پا شود، - ولو این که آن تجمع را خانه کارگر هم سازماندهی کرده باشد- کارگران بلافاصله به طرح مطالبات و خواست‌های خود می‌پردازند، دست به اعتراض و راهپیمائی می‌زنند و خلاصه جریان امور از دست خانه کارگر خارج می‌شود، با این خواست خانه کارگر یعنی تجمع در مرکز شهر تهران مخالفت نمود و آنان را به برگزاری مراسم در بیرون از شهر و بیابان‌های اطراف قبر خمینی حواله داد. خانه کارگر از این مسئله سخت گله‌مند شد و حسن صادقی خطاب به مسئولین استانداری تهران گفت "حتا حاضر نشده‌اند کارگران در داخل حرم مطهر امام تجمع داشته باشند و حوالی حرم را برای حضور کارگران تعیین کرده‌اند."

شایان ذکر است که روز پنجم اردیبهشت یعنی اولین روز از به اصطلاح هفته کارگر، که خانه کارگر تحت عنوان "مراسم تقدیر از فعالان نمونه صنفی، صنعتی و تولیدی"، جمعی از کارگران را به آرامگاه خمینی کشانده بود، کارگران این مراسم ساختگی را به هم زدند و آرامگاه خمینی را به محلی برای اعتراض و طرح مطالبات خویش تبدیل کردند. کارگران ضمن اعتراض به پائین بودن سطح دستمزدها و عدم امنیت شغلی، با برافراشتن پلاکاردها، پارچه نوشته‌ها و پرچم‌هایی که بر روی آن برخی از مطالبات کارگران نقش بسته بود، و سردادن شعارهایی چون "سرمایه‌دار حیا کن، کارگر را رها کن"، "وزیر کار استعفاء استعفاء" و "ما می‌گیم کار می‌خواهیم، قانون کار عوض می‌شه"، عملاً اداره‌ی

امور جلسه را از دست خانه کارگر خارج ساخته و خود، جو جلسه را به دست گرفتند. شدت اعتراضات کارگران به حدی بود که نه فقط محبوب نتوانست در جمع کارگران سخنرانی کند، بلکه برگزارکنندگان مراسم مجبور شدند دستگاه صوتی را نیز قطع کنند. بدین‌سان، توده‌ی کارگران، بار دیگر مراسم تدارک دیده شده از سوی خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار را در همان روز اول "هفته کارگر" حسابی به هم زدند و تمام نقشه‌های محبوب و دیگر سران خانه کارگر را نیز نقش بر آب ساختند.

به‌هررو، جمهوری اسلامی می‌خواست مراسم کنترول شده در اول ماه مه توسط نوکران خود در خانه کارگر و زیر نظارت نیروهای امنیتی- انتظامی برگزار شود. اگرچه تا یک روز قبل از اول ماه مه هنوز معلوم نبود خانه کارگر در کجا و در کدام نقطه دور از شهر باید مراسم خود را برگزار نماید، اما وقتی که از طرف مسئولین خانه کارگر و شوراهای اسلامی جهت همکاری با نیروهای انتظامی و برگزاری مراسم آرام و کنترول شده، تضمین‌های کافی داده شد، مدیر کل سیاسی انتظامی استان‌داری تهران نیز مجوز برگزاری مراسم اول ماه مه در ورزشگاه شیرودی را صادر نمود. کارگران باید صبح روز یازده اردیبهشت، در برابر خانه کارگر واقع در خیابان ابوریحان جمع می‌شدند و از آنجا توسط وسائط نقلیه، به ورزشگاه یاد شده منتقل می‌شدند.

اما صبح روز اول ماه مه، پس از تجمع هزاران کارگر معترض و به‌جان آمده در برابر خانه کارگر، که هرلحظه بر شمار آنان اضافه می‌شد، کارگران از همان دقایق اولیه ساعت مقرر (۸/۵ صبح) اعتراضات پرشور خود را آغاز نمودند. کارگران با برافراشتن پلاکاردها، پرچم‌ها و پارچه نوشته‌هایی که مطالبات کارگران بر آن‌ها نقش بسته بود و با سر دادن شعارهای کوبنده‌ای چون "کارگران، اتحاد، اتحاد!"، "تشکل مستقل حق ماست"، "کارگر می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد"، "وزیر بی‌کفایت، استعفاء، استعفاء" و "قرارداد موقت ملغا باید گردد" در خیابان‌های تهران دست به تظاهرات و راهپیمائی زدند و به سمت ورزشگاه شیرودی حرکت کردند. در طول مسیر راهپیمائی، شمار زیادی از جوانان، دانشجویان، معلمان و دیگر اقشار مردم زحمتکش، ضمن حمایت از کارگران، به صفوف به‌هم فشرده کارگران ملحق شدند. حوالی ساعت ده صبح غریب شعارهای یک‌پارچه بیش از ۴۰۰۰ کارگر در محل ورزشگاه که دائماً بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شد، بر اندام نحیف خانه کارگر و مزدوران امنیتی رژیم لرزه افکند! در این میتینگ اعتراضی چند هزار نفره، کارگران نه تنها هیچ‌گونه اعتناتی به تذکرات پی‌درپی سران خانه کارگر و دعوت کارگران به آرامش و سکوت نداشتند، بلکه آنان عمال سرسپرده رژیم یعنی محبوب و صادقی را به هنگام صحبت کردن هو کردند. در میان جمعیت، شعارهایی به طرفداری از کارگران شرکت واحد و سندیکای آنها نیز سر داده شد. برخی نیز خواستار سخنرانی منصور اسانلو بودند. برگزارکنندگان مراسم که چنین انتظاری نداشتند و شعور و آگاهی کارگران را دست کم گرفته بودند، هرچه تلاش کردند، نتوانستند اوضاع را تحت کنترول خویش درآورند. ورزشگاه نیز همچون خیابان به تسخیر کارگران در آمده بود. خانه کارگری‌ها سعی کردند هرچه زودتر سر و ته قضیه را هم آورند. بنابراین راهی نداشتند جز آن‌که زبونه پایان مراسم را اعلام کنند.

با اعلام پایان مراسم، صدها کارگر در دسته‌های صد نفره و دویست نفره، دوباره به خیابان‌ها سرازیر شدند و با سردادن شعار و طرح مطالبات خود به سمت میدان هفت تیر به حرکت در آمدند. در حالی‌که عناصر بالای خانه کارگر امثال محبوب مدام از کارگران می‌خواستند علیه مسئولین شعار ندهند، اما گوش کارگران به این حرف‌ها بدهکار نبود. خروش رزمنده کارگران و شعار آنان علیه وزیر کار، و همچنین شعار "اتحاد اتحاد کارگران اتحاد"، "کارگر دانشجو اتحاد اتحاد" که فضای خیابان و کوچه‌های اطراف آن را آکنده بود، بسیاری از رهگذران را نیز تحت تاثیر قرار داد و آنان را به صفوف راهپیمایان کشاند! جمعیت به قدری زیاد بود که خیابان مفتوح به کلی مسدود شده بود. کارگران در برابر یورش‌های مکرر نیروهای سرکوب، دلیرانه دست به مقاومت زدند و با شعار "مرگ بر حامی سرمایه‌دار" نسبت به این تهاجمات واکنش نشان دادند و در چندین نوبت هجوم آنها برای دستگیری فعالین کارگری را خنثا کردند و رفقای خود را از چنگ مزدوران نجات دادند. در همین مسیر بود که تعدادی از مزدوران رژیم قصد داشتند منصور اسانلو را برابیند. اما این اقدام نیز با مقاومت کارگران روبرو گردید و اسانلو نیز از دست مزدوران نجات یافت. علی‌رغم تلاش نیروهای سرکوب برای متفرق کردن کارگران قبل از رسیدن به میدان هفت تیر، کارگران خود را به میدان هفت تیر رساندند. پس از تجمع در این میدان و انجام تظاهرات و سر دادن شعار، سرانجام به تجمع خود پایان داده و پراکنده شدند.

کلام آخر

اول ماه مه امسال نیز، بار دیگر این موضوع را به اثبات رساند که با ارعاب و تهدید و بازداشت کارگران و فعالین کارگری و باتشدید اقدامات سرکوب‌گرانه، نمی‌توان روند رو به رشد جنبش کارگری را متوقف ساخت.

طبقه کارگر ایران، امسال در اول ماه مه، طرح خواسته‌ها و مطالبات خود را از محیط‌های بسته و یا جمع‌های محدود بسیار فراتر برد و با انجام تظاهرات و راهپیمایی در مقیاس توده‌ای، این مطالبات و خواسته‌های طبقاتی خود را به سطح خیابان‌ها کشاند و از این جنبه، نقطه‌ی درخشان دیگری در جنبش کارگریست.

اول ماه مه امسال فقط بیان‌کننده رشد و ارتقاء آگاهی طبقاتی در میان کارگران نیست. اول ماه مه امسال حتا صرفاً بیان‌کننده آمادگی طبقه کارگر برای برداشتن گام‌های دیگری به پیش هم نیست بلکه اول ماه مه امسال رویداد بسیار مهمی است که در عین حال مرحله مبارزاتی پیشرفته‌تری را در کل جامعه نیز بازتاب می‌دهد. اول ماه مه امسال در یک کلام، نقطه‌ی عطفی‌ست در جنبش کارگری و مؤید پیشرفت جنبش طبقاتی کارگران.

نقل از کار . ۵۰ (نیمه اول اردیبهشت ۸۶) - سازمان فداییان (اقلیت)